

Examining the normative results of the Arab Spring on the legal status of religious minorities; Case study of Egypt

Mohammad Yousefzadeh¹, Mohammad jalali²

DOI: [10.48308/pijaj.2024.234971.1507](https://doi.org/10.48308/pijaj.2024.234971.1507) Received: 2024/03/02 Accepted: 2024/06/30

Original Article

Extended Abstract

Introduction: Striving for freedom, equality-seeking, and breaking the tyranny can be considered the three main components of the recent decade's developments in the Middle East. Since 2010, the countries in this region have faced widespread public protests and have sought to implement extensive changes in their governance to achieve the people's demands. One of the countries where these uprisings occurred on a large scale was Egypt. Following the revolution of January 25, 2011, the previous regime was overthrown and a new regime was established in the light of democratic demands based on the rule of law. One of the active groups in the aforementioned revolution were religious minorities, who actively sought to participate in the revolution and play a significant role in the subsequent state-building efforts. This group's efforts stemmed from the fact that, as minorities in a country with Islam as the official religion, they were inherently deprived of many social benefits and rights. Additionally, the prevailing policies indicated that the Egyptian governments over the years had imposed clear discrimination against these minorities. Therefore, examining the legal norms influenced by the Arab Spring on the legal status of religious minorities in Egypt, which took a more concrete form with the drafting of the 2012 and 2014 constitutions, is an issue worthy of attention.

Methods: This paper, adopting a descriptive-analytical approach and utilizing the method of studying library resources, articles, etc., is written to analyze the research topic. Using this method, the present study is looking for an answer to this question: How have the post-revolution constitutions performed in ensuring and guaranteeing the rights of

1. PhD Candidate in Public Law, Faculty of Law, Collage of Fararbi, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding Author): mohammadusefzadeh@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran: mdjalali@gmail.com



religious minorities?

Results and discussion: According to the approach of the present article, it was found that: Firstly, the lack of official recognition of certain religious minorities in Egypt's legal system has not only led to the denial of their identity but also resulted in their natural rights and freedoms being overlooked, effectively removing them from the political and legal spheres. Secondly, the centralization of religious affairs within the state, weakness in executive and functional procedures, lack of easy and effective access to justice, justification of discrimination and violence, establishing an interpretation based on identity of the Egyptian and the Islamic identities, among others, have been influential in the failure to achieve the constitutional goals and the demands of religious minorities for equality in rights and autonomy in the religious domain.

Conclusion: This article, by a pathological analyzing the obstacles to the realization and exercise of the rights and freedoms of religious minorities, makes the following suggestions: Firstly, the Egyptian government must be committed to upholding the philosophy and implications of the constitution not only in theory but also in practice; Secondly, in order to observe the elements of citizenship rights, the necessary and appropriate infrastructures should be designed and implemented, and efforts should be made to assess and enhance them in cooperation with non-governmental organizations; Thirdly, the content of the educational system's curriculum should be revised and reformed to promote tolerance and altruism; And finally, the right to self-determination, along with all its necessary conditions, should be recognized and respected for religious minorities.

Keywords: Religious minorities, Arab Spring, Rights and freedoms, Formal religion, Egypt legal system.

Citation: Yousefzadeh, Mohammad & jalali, Mohammad. 2024. Examining the normative results of the Arab Spring on the legal status of religious minorities; Case study of Egypt, Political and International Approaches, Spring, Vol 16, No 1, PP 65-85.



بررسی برآیندهای هنجاری بهار عربی بر وضعیت حقوقی اقلیت‌های دینی؛ مطالعه موردی مصر

محمد یوسف زاده^۱ و محمد جلالی^۲

DOI: [10.48308/piaj.2024.234971.1507](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.234971.1507)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی و شکستن حصر استبداد را می‌توان سه مولفه اصلی تحولات دهه اخیر خاورمیانه برشمرد. کشورهای این منطقه از سال ۲۰۱۰ به بعد با اعتراضات گسترده‌ای از سوی مردم مواجه شده و ضمن انجام تغییرات وسیع در عرصه حکمرانی، سعی در تحقق اهداف مردم داشتند. یکی از کشورهایی که این خیزش‌ها در سطح وسیعی در آن روی داد، مصر بود. در این کشور پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، نظام پیشین ساقط و نظام جدیدی در پرتو خواسته‌های مردم‌سالارانه مبتنی بر حاکمیت قانون روی کار آمد. از گروه‌های فعال در عرصه انقلاب مذکور، اقلیت‌های دینی بودند که در تلاشی فعالانه درصدد مشارکت در عرصه انقلاب و ایفای نقشی بارز در ساختارسازی بعدی را جستجو می‌کردند. کوشش این گروه از آنجایی ناشی می‌شد که پیروان آنها، خود به خود به دلیل قرارگیری در گروه اقلیت در کشوری با دین رسمی اسلام، از بسیاری از مزایا و حقوق اجتماعی محروم شده بودند و از دیگر سو رویه موجود گواه از آن بود که رفتار حکومت‌های حاکم بر مصر در سالیان متمادی، تبعیضی آشکار را بر این افراد اعمال کرده بود. از این روست که اهمیت بررسی هنجارهای حقوقی متأثر از بهار عربی بر وضعیت حقوقی اقلیت‌های دینی در مصر که با تدوین قوانین اساسی ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ شکل عینی‌تری به خود گرفته، امری در خور توجه است.

روش‌ها: این نوشتار با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش مطالعه منابع کتابخانه‌ای، مقالات و... در راستای تحلیل موضوع پژوهش تحریر یافته است. با بهره‌گیری از روش و رویکرد فوق، پژوهش حاضر در جست و جوی پاسخ به این سوال است که عملکرد قوانین اساسی پس‌انقلاب در خصوص تامین و تضمین حقوق اقلیت‌های دینی چگونه بوده است؟

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که اولاً عدم شناسایی رسمی برخی اقلیت‌های دینی در نظام حقوقی مصر، نه تنها

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول). mo-hammadusefzadeh@gmail.com


۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. mdjalali@gmail.com



اسباب بی‌هویت‌سازی آنان را فراهم کرده، بلکه این امر باعث گردیده تا دیگرپنداری این افراد، حق‌ها و آزادی‌ها طبیعی آنها نیز نادیده گرفته شده و عملاً از ساحت سیاسی و حقوقی حذف شوند. از دیگر سو، متمرکز کردن امر دینی در دولت، ضعف در رویه‌های اجرایی و عملکردی، عدم دسترسی آسان و کارا به عدالت، توجیه تبعیض و خشونت، برقراری خوانشی این‌همانی بین هویت مصری و مسلمانی و برخی عوامل دیگر از جمله موجباتی‌اند که در عدم تحقق اهداف قانون اساسی و خواسته‌های اقلیت‌های دینی برای تضمین برابری در حقوق و خودمختاری در حوزه دینی تاثیرگذار بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: مقاله حاضر با آسیب‌شناسی موانع تحقق و اعمال حق‌ها و آزادی‌های اقلیت‌های دینی، این پیشنهادها را مطرح می‌دارد که اولاً بایستی دولت مصر نسبت به رعایت فلسفه وجودی قانون اساسی و آثار آن نه تنها در مقام نظر، بلکه در مقام عمل نیز ملزم باشد، ثانیاً به منظور رعایت مولفه‌های حقوق شهروندی، بسترهای لازم و مناسب آن طراحی و اعمال شده و با همکاری نهادهای غیر دولتی نسبت به ارزیابی و ارتقای آنان تلاش شود، ثالثاً محتوای دروس نظام آموزشی در راستای تساهل و دیگرپذیری مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد و رابعاً اجازه اعمال حق تعیین سرنوشت با تمامی ملزومات آن در خصوص اقلیت‌های دینی شناسایی و مورد احترام قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اقلیت‌های دینی، بهار عربی، حق‌ها و آزادی‌ها، دین رسمی، نظام حقوقی مصر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناددهی: یوسف زاده، محمد و جلالی، محمد. ۱۴۰۳. بررسی برآیندهای هنجاری بهار عربی بر وضعیت حقوقی اقلیت‌های دینی؛ مطالعه موردی مصر، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار، سال ۱۶، شماره ۱، ۶۵-۸۵.



۱. مقدمه

سال‌های آغازین دهه دوم قرن ۲۱ آبستن رویدادهای مهمی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بود. این تحولات که در ساحت علوم سیاسی «بهار عربی»^۱ نامیده می‌شود، تکانه‌هایی اساسی به نظام‌های سیاسی این کشورها وارد ساخت. حوادث فوق که با ندای آزادی و برابری خواهی و همچنین مقابله با حکومت‌های قانون‌گریز/ستیز و یکتاسالار از تونس آغاز گردید، خود را به مصر، لیبی و دیگر کشورها رساند و در این گذر، نظام سیاسی و حقوقی این کشورها را دستخوش تغییرات اساسی کرد. این وقایع در مصر به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای عربی دارای پیشینه اساسی‌گرایی چندین دهه‌ای، بیش از پیش خود را نمایان ساخت. گواه این امر اراده مردم انقلابی و بازیگران سیاسی برای تدوین قانون اساسی جدید براساس خواست‌های انقلابی بود که منجر به تدوین دو قانون اساسی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ و اصلاحات آن در ۲۰۱۹ شد. بی شک یکی از عوامل موثر در پیشبرد نهضت اساسی‌گرایی در این کشور این بود که «قوانین اساسی اغلب به عنوان [امری] ذاتی برای مفهوم حاکمیت قانون در نظر گرفته می‌شدند که [هدف آن‌ها] ممانعت از اعمال قدرت خودسرانه بود» (Rosenfeld, 2012: 242).

با عنایت به شناسایی «اسلام» به عنوان دین رسمی دولت مصر مطابق ماده ۲ قوانین اساسی فوق، تعیین وضعیت حقوقی اقلیت‌های دینی این کشور به مقوله‌ای مهم در بررسی‌های حقوق اساسی تطبیقی تبدیل شد. اهمیت موضوع از آنجاست که اقلیت‌های مذکور به عنوان یکی از بازیگران مهم در جریان بهار عربی با همراهی اسلام‌گرایان درصدد تحقق عملی حق‌ها و آزادی‌های خود بوده و انتظار داشتند برخلاف قوانین اساسی پیشین نه تنها در فرایند تدوین قانون اساسی جدید مشارکت فعالانه‌تری داشته باشند، بلکه حقوق شهروندی ایشان نیز تضمین گردد. حال سوال اصلی نوشتار حاضر این است که عملکرد قوانین اساسی پساانقلاب در خصوص تامین و تضمین حقوق اقلیت‌های دینی چگونه بوده است؟ آیا رخدادهای پس از بهار عربی توانسته خواسته‌های اقلیت‌های دینی را از باب شناسایی و تضمین حقوق شهروندی فراهم آورد یا خیر؟ موانع تحقق عدم برابری و تحقق آرمان‌ها چیست؟

با امعان نظر به بدیع بودن موضوع نوشتار حاضر، کمتر نوشتار فارسی زبانی تاکنون با جزئیات مطروحه، بدان پرداخته و موضوع تحقیق را مورد بررسی قرار داده است. با این توضیح که اغلب پژوهش‌های گرانسنگی که تاکنون در خصوص رابطه دین و قانون اساسی در مصر انجام یافته‌اند، به ذکر عمومات یا توصیف صرف قانون اساسی ۲۰۱۲ پرداخته‌اند^۲، حال آنکه اولاً قانون اساسی جدیدی در سال ۲۰۱۴ برای

۱. بهار عربی به سلسله انقلاب‌ها و اعتراضات در کشورهای عرب خاورمیانه و شمال آفریقا اطلاق می‌گردد که از سال ۲۰۱۰ آغاز شد و زنجیروار به دیگر کشورها تسری یافت. در این اتفاقات، نظام‌های سیاسی مستقر با از دست دادن مشروعیت و مقبولیت خود، یکی پس از دیگری سقوط کرده و عرصه برای تغییرات بنیادین از جمله تحولات لازم در هنجارهای حقوقی محیا شد.

۲. Constitutionalism: این ایده اساساً در راستای تمرکززدایی از قدرت، با راهکار تفکیک قوا و تعیین حدود اختیارات دولت ایجاد گردید تا با تدوین قانون اساسی که شامل مجموعه‌ای از هنجارهاست، امر قدرت ضمن ساختارسازی، مقوله‌ای کنترل‌پذیر و تحت نظارت باشد و در کنار آن حق‌ها و آزادی‌های شهروندان نیز مورد شناسایی و تضمین قرار گیرد.

۳. آقایی طوق، مسلم. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، «تحول حقوق و آزادی‌های شهروندی در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲ میلادی»، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، ۱(۱)، صص ۲۲-۱، ناجی، حسین علی (۱۴۰۰)، دور القضاء

مصر تدوین و اصلاحیه‌ای در سال ۲۰۱۹ بدان اعمال شده است و ثانیاً می‌توان ادعا نمود تاکنون تحقیقی درخصوص ارزیابی وضعیت اقلیت‌های دینی آن کشور و آسیب‌شناسی علل تضييع حقوق آن‌ها به رشته تحریر در نیامده است.

از این رو نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در راستای تحلیل موضوع پژوهش علت ناکارآمدی و تامین حق اقلیت‌ها را از منظر هنجارهای حقوقی مورد مذاقه قرار داده است. بر این اساس فقدان ضمانت‌اجراهای مناسب و مجریان فعال، دولتی‌سازی نهاد دین و نظارت بر آن، خوانشی مصری-مسلمانی از هویت ملی و نفرت‌پراکنی‌های فرقه‌ای، جملگی از عواملی اند که به تشدید وضعیت حقوق اقلیت‌های دینی منجر شده است.^۱ با مذاقه در عوامل فوق و در جهت بهبود جایگاه اقلیت‌ها و نظر به تقدم حاکمیت قانون و مردم‌سالاری بر شکل حکومت اعم از پادشاهی یا جمهوری، به نظر می‌رسد نخست باید نسبت به شناسایی رسمی همه اقلیت‌های دینی در قانون اساسی اقدام نمود، ثانیاً الزامات معینی در راستای پایبند نمودن دولت به مفاد قانون اساسی و فلسفه وضعی آن و همچنین حفظ حقوق شهروندی مقرر و طراحی نمود. ثالثاً بسترسازی مناسبی جهت دسترسی به عدالت جهت پیگیری ناقضان حقوق اقلیت‌ها و پیش‌بینی روش‌های مناسب جبران خسارت را پیش‌بینی و مقرر ساخت و رابعاً محتوای نظام آموزشی را به نحوی مورد بازنگری قرار داد که نسبت به امکان دیگرپذیری و تساهل‌گری امکان بیشتری فراهم آید.

تحقیق حاضر در دو قسمت نسبت به طرح و بحث در حوزه سوال اصلی پرداخته است. در بخش نخست به فرایند شناسایی دین رسمی در قانون اساسی مصر، تعریف و شناسایی اقلیت‌های دینی در آن و تبیین حق‌ها و آزادی‌های مقرر شده به ایشان پرداخته است. چنین چیدمانی از این رو ضروریست که اولاً لزوم درک پیشینه و علت درج دین رسمی در قانون اساسی مصر برای تحلیل مباحث آتی مقوله‌ای گریزناپذیر است و از دیگر سو با مشخص شدن موضع دین رسمی، تعریف و شناسایی انواع اقلیت‌های دینی و حقوق مندرج برای ایشان لاجرم خود بحث مجزایی را می‌طلبد. در بخش دوم علل تبعیض و موانع تحقق

الاداري في حماية الحقوق والحريات العامه دراسه مقارنة بين العراق و مصر و الجزائر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، برومند، سعیده (۱۳۹۴). بررسی جایگاه شریعت در نظام قانون‌گذاری ایران، مصر و مالزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی و الملیحیم، سهال، عبدالزهره، رافد (۱۴۰۰)، التنظيم القانوني لتمثيل الاقليات في القوانين الانتخابية دراسه مقارنة بين العراق و الاردن و مصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱. آمارهای بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ نشان دهنده آن است که علی‌رغم تصریحات قانون اساسی بر رعایت حقوق بنیادین، اما هرساله این حق‌ها با تضييع بیشتری مواجه بوده‌اند.

سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۱۸-۲۰۱۷	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
نرخ بر مبنای ۱	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۲۴

در راستای این تضييع حقوق، مصر در قیاس با دیگر کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۲۳ وضعیت نامتناسب‌تری درخصوص این امر دارد.

کشور	امارات	کویت	اردن	تونس	الجزایر	مراکش	لبنان	ایران	مصر
رتبه جهانی در ۲۰۲۳	۱۰۸	۶۹	۶۶	۴۹	۱۱۳	۱۱۴	۶۱	۱۴۲	۱۴۰

<https://worldjusticeproject.org/rule-of-law-index>

آزادی‌های اقلیت‌های دینی مورد توجه قرار گرفته و مشخص می‌گردد که ضعف در ضمانت‌اجراها منتهی به تشویق هجمه روزافزون به این گروه از افراد شده و بسترهای خشونت‌های بعدی را نیز فراهم می‌آورد.

۲. اقلیت‌های دینی در قانون اساسی مصر؛ قطعه متمایز یک پازل

دین به‌عنوان عنصری فردی و اجتماعی از دیرباز با انسان‌ها خو گرفته و وسیله‌ای برای تقرب به خداوند بوده است. اهمیت این مقوله را در دو ویژگی مهم می‌توان مورد عنایت قرار داد: «نخست به سبب تأثیراتی که بر حیات اجتماعی گذارده یا می‌گذارد و ثانیاً مخاطبان دین در بادی امر، گرچه افرادند و تجلی نخستین آن در ایمان و تعلق خاطر فردی است، لیکن مستعد آن است که به سرعت وجه اجتماعی پیدا کند» (شجاعی زند، ۱۳۸۸: ۲۶). از این رو بنا به اهمیت موضوع و جایگاهی که دین اسلام در نظام حقوقی اساسی مصر دارد، در بخش حاضر، نخست به پیشینه و چرایی درج دین اسلام به عنوان دین رسمی قانون اساسی مصر پرداخته شده، سپس با تبیین مفهوم اقلیت، اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده و نشده در این قانون بررسی شده و در انتها حق‌ها و آزادی‌هایی که برای این اقلیت‌ها اعطا گردیده مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۲-۱. سیر اسلام در قانون اساسی مصر؛ ظهور و تحولات یک هنجار

با استقلال مصر از استعمار بریتانیا در سال ۱۹۲۲، مردمان این سرزمین به فکر تدوین الگوی حکمرانی برای خود شدند. در این راستا در میانه نزاع سهم‌خواهی جریان‌ات ملی‌گرا، سکولار، اسلام‌خواه و اقتدارگرا، آثار این رقابت‌ها خود را در مقام تدوین قانون اساسی نشان داده و عناصر هریک از مقوله‌های فوق در قوانین اساسی و اصلاحات بعدی که در سال‌های ۱۹۲۳، ۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ به تصویب رسیده‌اند، را می‌توان مشاهده نمود. یکی از موضوعات پرچالش در قانون اساسی مصر، موضوع درج اسلام به عنوان «دین رسمی» و «مرجع قانونگذاری» در قانون اساسی است. اهمیت این بحث از دو جهت است؛ اولاً بیش از ۹۰ درصد مردم مصر مسلمان‌اند، لذا دول حاکم با درک این موضوع در تلاش برای تدوین و ایجاد انحصار نظام حقوقی با توجه به اقتضائات بنیادین شریعت اسلامی بودند. ثانیاً با توجه به تنزل جایگاه شریعت و اختصاص آن صرفاً به حوزه خانواده در اول قرن بیستم، برآیندهای آن باعث گردید گرایش به بازیابی جایگاه شریعت در عصر جدید تبدیل به موضوعی مهم شود.

در دهه‌های نخست قرن ۲۰، ایده جایگزینی شریعت با قوانین سکولار، به دغدغه‌ای فراگیر میان نخبگان سیاسی مصر تبدیل شده و در این سال‌ها شریعت به طور فزاینده‌ای به عنوان منبعی کامل و معتبر برای توسعه سیستمی جامع از قوانین مدونی که توسط دولت ایجاد، مدیریت و اجرا می‌شد، شناسایی و معرفی گردید (Wood, 2016: 48). زیرا این هنجارها «نمی‌توانستند به راحتی به موازات قوانین انسان‌ساخت که از نظر اخلاقی فروتر تلقی می‌شوند، وجود داشته باشند یا از آن تبعیت نمایند» (Wood, 2016: 5).

مضافاً تقنین توسط یک فرد یا طبقه حاکم نمی‌توانست عاری از منافع شخصی باشد و مردم را در بندگی غیر خدا قرار می‌داد. در راستای اندیشه اسلام‌خواهانه، دین صرفاً نمادی برای مقابله سکولاریسم

نبود، بلکه عاملی برای وحدت کشور و راهنمایی برای زیست اجتماعی و معنوی افراد هم بود. این عنصر به عنوان میراثی ایدئولوژیک و نیروی متحد کننده مردم، نقطه‌ی ثقلی را مشخص می‌کرد که در آن جریان‌های مذهبی و ملی گرا می‌توانستند با هم مواجه شوند (Al-Bishri, 1988: 681). از این منظر، دولت موضوعی مطرود نبوده، بلکه آزاری بود که بایستی ضمن اخذ، نسبت به اسلامی‌سازی آن اقدام می‌شد. براساس تلقی‌های فوق، در اولین قانون مصر در سال ۱۹۲۳ دین اسلام در ماده ۱۴۹ به عنوان دین رسمی این کشور معرفی گردید. پس از گذشت ۳۳ سال از عمر آن، قانون اساسی جدیدی در سال ۱۹۵۶ تدوین و در ماده ۳ این قانون نیز اسلام به عنوان دین دولت اعلام شد. نکته در خور توجه درخصوص این قانون اساسی ماهیت سکولار آن بود. در این میثاق‌نامه، علیرغم تأکید و شناسایی اسلام به عنوان دین دولتی، قوه مؤسس قصدی به منظور الزام قبطی‌ها برای تبعیت از قوانین مربوط به مسلمانان در عرصه ملی نداشت (Hatem, 2000: 48). این قوانین تنها با اشاره نمادین به اسلام، هیچ تعهدی نسبت به شرع ارائه نکرده بودند. پیرو قانون اساسی ۱۹۵۶ و بنا به اتحادی که بین جمهوری‌های مصر و سوریه به وجود آمد، قانون اساسی مشترکی ۱۹۵۸ برای دو کشور تدوین گشت که به عنوان تنها قانون اساسی مصر، در آن اشاره‌ای به دین رسمی نشد. «علت این امر را می‌توان در سیاست‌های سوسیالیستی دولتی کنکاش نمود که به ایدئولوژی حاکم در کشورهای عربی تبدیل شده بود و چنین نظامی مشتاق هویت سکولار دولت بود» (Brown, 2000: 56).

پس از این قانون اساسی در سال ۱۹۷۱ با توجه به تحولات سیاسی رخ داده و گرایش ایجاد شده درباره ماهیت واحد ملت مصر و نقش شریعت در این خصوص و تأثیر جنبش‌های دین‌گرایانه دهه ۱۹۷۰، اسلام به عنوان دین رسمی حفظ شد. پیرو این جریان‌ها، رییس جمهور وقت به منظور جلب نظر اسلام‌گرایان در راستای مشروعیت‌زایی برای خود و جلوگیری از نفوذ مارکسیست‌ها در ساختار سیاسی اقدام به وارد نمودن دین در قانون اساسی نمود (Abdelaal, 2013: 36). در این عرصه وی با دو نحله فکری از بنیادگرایان مواجه بود؛ نخست گروه‌هایی که شریعت را به عنوان منبع انحصاری برای قانون‌گذاری تلقی می‌کردند، در حالی که طیف دیگر بر این باور بودند که دین می‌تواند هم‌عرض سایر منابع مثل عرف، رسوم، فرهنگ و ... یکی از منابع قابل دسترس برای قانون‌گذاری باشد (یوسف زاده، ۱۳۹۷: ۴۰).

سادات پیرو سیاست‌های فوق در ماده ۲ قانون اساسی ۱۹۷۱، اسلام را به عنوان دین رسمی مورد تصویب قرارداد. این ماده مقرر می‌داشت: «اسلام دین دولت ... است. اصول شریعت اسلام یکی از منابع اصلی قانون‌گذاری هستند.» پس از این کار وی با وجود پیشبرد دولتی سکولار اما در راستای تفوق بر گروه‌های مختلف سیاسی با همگرایی بیشتر با نحله اول، با اصلاح قانون اساسی در سال ۱۹۸۰، اصول شریعت اسلام را به عنوان «تنها منبع اصلی قانون‌گذاری» به تصویب رساند.

این قانون تا سال ۲۰۱۱ دوام داشت تا اینکه در این سال با خیزش مردم، ضمن برکناری حسنی مبارک از حکومت، قانون اساسی موجود معلق گشت. در پی این اقدام نسل جوان و لیبرال انقلابیون نسبت به مصادره اهداف انقلابی و تأثیر عملکرد یک سویه احزاب قدیمی مانند حزب ملی دمکراتیک سابق و اخوان المسلمین بر فرایند تدوین قانون اساسی آینده بیمناک بودند. در راستای تدوین قانون اساسی و با

پیروزی اسلام‌گرایان پس از برگزاری انتخابات مجلس شورا و مجلس خلق در دوره نوامبر ۲۰۱۱ تا ژانویه ۲۰۱۲، این گروه‌ها توانستند اکثریت مجلس موسسان را به دست آورند. این مجلس با تدوین قانون اساسی با صبغه‌ای دینی، از طریق برگزاری همه‌پرسی دسامبر ۲۰۱۲ توانست رای اکثریت شرکت‌کنندگان را کسب و قانون اساسی پساانقلاب را برای مصر تهیه نماید.

ماده ۲ این قانون اساسی نیز مانند قوانین قبلی، اسلام را به دین رسمی دولت معرفی کرده بود. نکته حائز اهمیت در قانون اساسی جدید علیرغم ادعاهای درخصوص تمایل صرف آن به سوی اسلام‌گراها، تدوین آن توسط یک هیئت منتخب بود که آن را از پیشینیان خود که به‌طور مخفیانه توسط نخبگان سیاسی غیرمنتخب و با فقدان عنصر نمایندگی تهیه شده بودند، متمایز می‌ساخت (Zaid Al-Ali, 2012). قانون اساسی ۲۰۱۲ علیرغم تلاش‌ها، دوام چندانی نیاورد و با فشارهای گروه‌های مخالف دولت که یکی از عمده دلایل آن «اسلامی‌سازی» بیش از حد قانون اساسی توسط دولت و احزاب اسلام‌گرا بود، با انجام کودتا علیه دولت حاکم، معلق گشته و اعلامیه جدید قانون اساسی توسط دادگاه عالی قانون اساسی صادر شد. در این اعلامیه به روند بازنویسی قانون اساسی جدید توسط کمیته حقوقی ده نفره که منتخب نهادهای قضایی بوده و سپس ارجاع طرح پیشنهادی پیش‌نویس به کمیته‌ای پنجاه نفره متشکل از اعضای نهادهای دولتی و دیگر اتحادیه‌ها، اشاره شده بود. در روند تدوین پیش‌نویس حاضر نیز همانند قانون اساسی ۲۰۱۲ اتفاق نظر کلی در خصوص شناسایی دین رسمی در قانون اساسی وجود داشت. از این رو مطابق ماده ۲ - با بررسی پیشنهادهای مبنی بر اضافه شدن بندهای توضیحی به دیگر مواد-، اسلام به عنوان دین رسمی دولت باقی ماند. سرگذشت نحوه ورود و استقرار دین رسمی در قوانین اساسی مصر مبین آن است که دین گرچه در بادی امری برای مقابله با موج سکولاریسم نقش ایفا می‌کرد، اما رفته رفته بیشتر به عنوان امری ابزاری در راستای اهدافی دولتی به کار رفته است. این امر موجب گردیده امر دینی در خدمت امر سیاسی قرار گرفته و به مقضای نیازهای آن نقش ایفا نماید.

۲-۲. اقلیت‌های دینی در مصر؛ مرئی و نامرئی

بحث درباره اقلیت‌ها لاجرم نیازمند تحلیل مفهوم اقلیت است. بنابراین، اقلیت چیست؟ سوالی بنیادین در خصوص مفهوم، شناسایی و رسمیت‌بخشی به آنها در قانون اساسی است. ارائه تعریفی جامع و مانع از اقلیت در سطح جهانی امری دشوار است، اما باید ویژگی‌های اقلیت‌ها را بر اساس موقعیت‌های متفاوتی که در آن زندگی می‌کنند در نظر گرفت. از منظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اقلیت عبارت از گروهی از شهروندان یک دولت است که به لحاظ کمی از بقیه جمعیت یک کشور کمتر بوده، در وضعیتی غیرحاکم به سر می‌برند، دارای خصایص قومی یا زبانی متفاوتی با اکثریت بوده، نسبت به هم همبستگی دارند، به طوری که اراده آنها بر بقایشان قرار گرفته و هدف آنها کسب برابری واقعی و قانونی با اکثریت است (زمانی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

در «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، مذهبی، نژادی و قومی»^۱ مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲

1. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities

مجمع عمومی سازمان ملل، به تعریف دقیقی از اقلیت‌ها اشاره نشده اما در بند ۱ ماده ۱^۱ نسبت لزوم شناسایی و حفظ هویت این افراد و در بندهای ۱۲ و ۵^۳ ماده ۲ آن نسبت به شناسایی برخی حقوق ایشان اقدام شده است. در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بدون تعریف اقلیت، صرفاً با بیان اینکه «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نباید از حق تشکیل اجتماع با سایر اعضای گروه خود، بهره‌مندی از فرهنگ و ابراز و انجام فرایض دینی و کاربرد زبان خودشان محروم نمود». به طور کلی از منظر اسناد بین‌المللی اقلیت‌ها به دلیل قرارگیری در برابر اکثریت جامعه، خواهان برابری در حق‌ها و آزادی‌ها بوده و درصدد شناسایی هویتی و تضمین تأمین حقوقی از سوی دولت و اکثریت حاکم‌اند.

مصر دارای تنوع مذهبی بوده و این امر در ترکیب جمعیتی این جامعه نیز آشکار است. جامعه مصر دارای ادیان اسلام (با اکثریت اهل سنت)، مسیحی، یهودی و مذاهبی مانند بهایی، صوفی، شیعیان، احمدی‌ها، قرآنیان و شاهدان یهوه است.

نوع دین	درصد جمعیت
مسلمان	۹۰/۰۶
مسیحی	۹/۲۶
ادیان و مذاهب دیگر	۰/۶۸

نسبت جمعیت ادیان در مصر^۲

در دوران پس از انقلاب، این امید وجود داشت که در راستای تبیین حقوق شهروندی و برابری حاصل از آن، در پیش‌نویس جدید قانون اساسی به موضوع عدم‌شناسایی مذاهب دیگر رسیدگی شود؛ لیکن این امر با مداخله نیروهای اسلام‌گرا و با حمایت دولت وقت تحقق نیافت و همان وضعیت قانون اساسی ۱۹۷۱ در قانون اساسی جدید نیز به تصویب رسید. قانون اساسی ۲۰۱۲ مصر در ماده ۳ صرفاً با شناسایی رسمی مسیحیان و یهودیان به عنوان تنها ادیان معتبر، نسبت به شناسایی رسمی این دو دین به عنوان «ادیان آسمانی» در قانون اساسی اقدام نمود. این ماده مقرر داشت «اصول قوانین مسیحی و یهودی منبع اصلی قانونگذاری پیروان مسیحیت و یهودیت در مسائل مربوط به احوال شخصیه، امور مذهبی و تعیین رهبران معنوی است.»

پس از برکناری مرسى و تعلیق قانون اساسی ۲۰۱۲، محتوای پیشنهادی قانون اساسی جدید، کانون اصلی

۱. ملل عضو موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی را در محدوده مرزهای این اقلیت‌ها حفظ و شرایط حمایت از حفظ هویت آنان را فراهم خواهند نمود.
۲. افراد متعلق به اقلیت‌های ملی و قومی مذهبی و زبانی در حوزه شخصی و اجتماعی حق دارند که آزادانه بدون هیچ نوع اعمال تبعیض یا مزاحمت از فرهنگ خود برخوردار شده مذهب خود را علناً ابراز داشته و مراسم آن را انجام دهند و زبان خود را بکار گیرند.
۳. افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند که بدون هیچ تبعیض و اجحافی تماس‌های آزادانه و صلح آمیز خود را با اعضاء دیگر گروه خود و با افراد دیگری که به اقلیت آنان تعلق دارند برقرار نموده و ادامه دهند و همچنین با اتباع ملل هم‌مرز که با آنان قرابت ملی قومی و یا مذهبی وزبانی دارند تماس داشته باشند.

4. <https://www.thearda.com/world-religion/national-profiles?u=73c>

بحث‌ها بود. عدلی منصور، رئیس وقت دادگاه عالی قنون اساسی، اعلامیه موقت قانون اساسی را صادر و در ماده ۷ آن به تضمین آزادی انجام مناسک دینی برای ادیان آسمانی تاکید کرد. این پیشنهادها با وجود نوآوری‌هایی درخصوص برخی حق‌ها و آزادی‌ها، اما کماکان فقط «ادیان آسمانی» سه گانه را علیرغم مخالفت‌ها از سوی گروه‌ها و اقلیت‌هایی، مورد شناسایی قرار داد و ماده ۳ قانون اساسی را عیناً تکرار نمود. نکته در خور توجه، موضعی است که مواد ۹ در باب فرصت‌های برابر برای تمامی شهروندان و ۶۴ درباره آزادی مطلق عقیده و حق ایجاد عبادتگاه برای پیروان ادیان آسمانی در نظر گرفته است. نکته مبرهن آنکه قانون اساسی مصر با وجود تضمین فرصت‌های برابر برای تمامی شهروندان، صرفاً با شناسایی اسلام به عنوان دین رسمی و مسیحیت و یهودیت به عنوان ادیان مشمول اهل کتاب به مثابه اقلیت‌های دینی معتبر، پیروان سایر ادیان و مذاهب را در حالت نامرئی قرار داده و از شناسایی آنها علیرغم درخواست‌های مکرر ایشان در عرصه عمومی خودداری نموده است.

این درحالی است که پیش از این گروه‌های اسلام‌گرا بر وحدت میان مسلمانان و اهل کتاب تاکید داشته و آن را به عنوان مدافعی در مقابل موج تهاجم اخلاقی و فکری می‌پنداشتند (Freedom and Justice Party, 2011: 2). به دیگر سخن ماده ۳ بیانگر تعهد دولت به این واقعیت است که برخی از تعهدات دینی که وارد هویت مصری شده‌اند از نظر اجتماعی قابل قبول و برخی دیگر مورد پذیرش نیستند.

۲-۳. حق‌ها و آزادی‌های اقلیت‌های دینی

حقوق اساسی به عنوان محصول تحولات انسانی در حوزه اندیشه سیاسی و حقوقی، علم تنظیم‌گر و تحدیدآمیز امر سیاسی محسوب می‌شود، چرا که در کنار تعیین ثغور حاکم بر قوای سیاسی، شناسایی و تضمین آزادی‌های فرمانبران نیز یکی از غایات مهم آن است. به عبارتی چنانچه رسمیت اصل حقوق اقلیت‌ها را به عنوان ابزاری برای حصول به هدف غایی عدالت فرض نماییم، بی‌شک یکی از جلوه‌های این مهم، برابری است. اصل برابری در برابر قانون یکی از اصول مهم حقوقی به ویژه در دفاع از حقوق اقلیت‌ها در کل دنیا است. از این رو تلاش برای تحقق حقوق اقلیت‌ها در واقع به معنی تحقق حقوق برابر آنهاست و نه اولویت گروهی بر گروه دیگر. به عبارتی، دولت‌ها در قبال همه افراد انسانی متعهد هستند، اما از آنجا که اقلیت‌ها در مقایسه با اکثریت، آسیب‌پذیرترند، دولت‌ها می‌بایست توجه ویژه‌ای به آنها داشته باشند (Macklem, 2008: 533). در مصر با شناسایی اقلیت‌های دینی مرئی، حقوق و آزادی‌های خاصی نیز برای ایشان تعریف و در برخی موارد ابعاد مختلف این شناسایی بر نحوه تعامل آنها و برخورداری‌شان از امتیازات مفهوم شهروندی تاثیر گذاشته است.

ماده ۳ قانون اساسی ۲۰۱۴ با ایجاد وضعیتی خاص در مقابل ماده ۲، در سه محور اصلی اداره احوال شخصیه، انجام امور دینی و تعیین رهبران معنوی، ادیان مسیحی و یهودی را محق آزادی دانسته است. ایجاد این فضا و اعطای چنین وضعیت خاصی را می‌توان به این دلیل توجیه نمود که با این عمل، دولت، هنجارهای فرهنگی-دینی که اسباب پیوند و انسجام ملت را فراهم می‌آورند را به رسمیت شناخته و به دنبال تحقق «ما»ی ملی است. توجه به ادیان آسمانی و حقوق پیروان آنها در قیاس با دیگر مذاهب نامرئی، خود

را با تأکید مقدمه قانون اساسی بر رسمیت ادیان سه‌گانه ابراهیمی و تأثیر آنها در تاریخ و هویت سرزمینی مصر نشان داده و این مقدمه هم‌سنگ دیگر مواد قانون اساسی دارای جنبه الزام‌آور است.^۱

پیرو این مقرر و از آنجا که مطابق ماده ۴۸، فرهنگ حق همه شهروندان بوده و عنایت به مواد ۶۴ و ۶۵ که حق آزادی عقیده مطلق را پذیرفته و تضمین نموده، بی‌شک یکی از جلوه‌های اصلی این موضوعات، حق بر ایجاد و اداره امکان‌عبادی برای پیروان ادیان آسمانی است که در فقره پایانی مواد ۶۴ و ۲۳۵۲ اجرایی نمودن این امر با لحاظ لزوم رعایت قانون، تضمین شده است. در این راستا و پس از کش و قوس‌های فراوان و با وجود مخالفت‌های بنیادی، «قانون ایجاد و نگهداشت کلیساها»^۳ در آگوست ۲۰۱۶ به تصویب مجلس نمایندگان مصر رسید. در این قانون نماینده مذهب مربوطه جهت اخذ مجوزهای لازم به فرماندار ذیصلاح مراجعه نموده و اسناد مثبت را در این خصوص ارائه می‌نماید. فرماندار نیز موظف است پس از بررسی اسناد و مدارک، حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ دریافت مستندات، نسبت به درخواست مطروحه تصمیم‌گیری نماید. این قانون تغییر کاربری کلیساها را به هر دلیل حتی اگر مناسک دینی انجام نشود را ممنوع ساخته و آن را از موارد ابطال مجوز برشمرده است.

از دیگر حوزه‌هایی که در آن به تعبیر قانون اساسی، اقلیت‌های دینی دارای وضعیت خاصی اند، حوزه احوال شخصیه است. در این حوزه، قوانین سال‌های ۱۹۲۰، ۱۹۲۹ و ۲۰۰۰ و برخی اصلاحات آن وضع گردیده و این قوانین به‌عنوان قوانینی ملی خود را بر کلیه شهروندان مصری حاکم نموده است. یکی از حوزه‌های احوال شخصیه، موضوع ارث و مسائل مرتبط با آن است که علیرغم ارتباط تنگاتنگ آن با حوزه احوال شخصیه غیرمسلمانان و وجود قوانین مربوطه در هر مذهبی، از دهه‌های اولیه قرن بیستم، دولت مصر با اعمال قوانین ملی بر مسیحیان و یهودیان، قواعد دینی خاص آنها را نادیده گرفته و حتی رویه قضایی نیز علیرغم اعتراضات متعدد اقلیت‌ها (سالی، ۲۰۱۸) تمایل به اعمال قوانین ملی مبتنی بر قواعد اسلامی داشته است. از این رو تقسیم ارث بر مبنای قواعد اسلامی، نوعی تعدی به خودمختاری قضایی غیرمسلمانان را موجب شده است. از دیگر سو امکان اعمال احوال شخصیه مربوط به اقلیت‌ها و یا برقراری حیطه قضایی مشخص بر ایشان، مقید به عدم نقض نظم عمومی شده است؛ که این قید خود می‌تواند یکی از بسترهای لازم جهت تشدید گسست‌های اجتماعی را فراهم آورد.

اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی علاوه بر حقوق سه‌گانه و اقلیت‌های نامرئی که مشمول ماده ۲ اند، همسنگ اکثریت، در مقام تئوری دارای آزادی‌هایی از قبیل حق داشتن کارت‌های شناسایی هویتی، حق دستیابی به فرصت‌های برابر، برابری زنان با مردان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، منع تبعیض، حق بر حریم خصوصی، آزادی مطلق عقیده، حق بر مشارکت سیاسی و ... به عنوان نامزد را دارند. قید این موارد از آن روست که همواره یکی از دلایل عمده بروز بحران‌های اجتماعی این واقعیت بوده که اقلیت‌ها از حق مشارکت در نظام سیاسی و فرایندهای تصمیم‌گیری کشور کنار گذاشته شده‌اند.

۱. ماده ۲۲۷: «قانون اساسی و مقدمه و متون آن، ساختاری منسجم است ... مفاد آن یک واحد متحد را تشکیل می‌دهد.»
 ۲. «در اولین دوره قانونگذاری پس از اجرایی شدن این قانون اساسی، مجلس نمایندگان، قانونی را برای سازماندهی ساخت و بازسازی کلیساها صادر خواهد کرد ...»
 ۳. قانون بنا و ترمیم الکنائس

۳. آسیب‌شناسی و موانع تحقق حق‌ها و آزادی‌های اقلیت‌های دینی

با وجود شناسایی حق‌ها و آزادی‌ها برای اقلیت‌های دینی در قانون اساسی مصر، این امر به منزله تحقق کامل آنها در وادی عمل نبوده و وضعیت این افراد نه تنها بهبود چندانی نیافته، بلکه بدتر هم شده است. تضييع حقوق اقلیت‌های دینی در مصر تا حدی بازتابی از چالش‌های سیاسی گسترده نظیر آزادی‌های محدود، فرقه‌گرایی و حکومت غیردموکراتیک است. ماده ۵۳ قانون اساسی ۲۰۱۴، ضمن شناسایی برابری شهروندان مصری در عرصه عمومی، نه تنها هرگونه تبعیضی را مطلقاً مردود انگاشته، بلکه تحریک به نفرت را نیز جرم‌انگاری نموده است. در این راستا دولت وظیفه دارد با بهره‌گیری از همه امکانات و ابزارهای لازم، همه اشکال تبعیض را از چهره جامعه مصری زدوده و با تشکیل کمیسیونی مستقل نسبت به کنترل چنین امری تمام تلاش خود را مبذول دارد. اما با نگاهی به اقدامات و رویه‌های موجود پس از بهار عربی این نکته قابل درک است که با فقدان ضمانت‌اجراهای لازم جهت تعقیب خاطیان، وجود سخنان تنفرآفرین و نقش رسانه‌ها در این خصوص و در نهایت ملی‌گرایی و محدودیت‌های هویت مصری، جملگی عواملی‌اند که مانع تحقق حقوق اقلیت‌های دینی در این کشور شده‌اند. در این قسمت به بررسی هر یک از عوامل فوق پرداخته می‌شود.

۳-۱. مجریان منفعل - خاطیان بی‌تعقیب

یکی از جلوه‌های اصلی تمایز حقوق از اخلاق، تعریف ضمانت‌اجراهای لازم برای پیشبرد هنجارهای حقوقی است. به عبارتی: «قاعده‌ای را که اجرای آن از طرف دولت تضمین نشده است [را] نباید در شمار قواعد حقوقی آورد. زیرا، اگر اشخاص در اجرای آن آزاد باشند و در برابر تخلف خود هیچ مکافات‌ی نبینند، چگونه می‌توان ادعا کرد که نظمی در جامعه وجود دارد؟» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۵۴) به دیگر سخن، فرق قانون با دیگر هنجارهای رفتاری در این است که عدم پیروی از آن عکس‌العمل دستگاه حکومتی را به دنبال می‌آورد. از این باب یکی از موارد حادی که اجرای چارچوب قانون اساسی مصر را در خصوص اقلیت‌های دینی با نقص جدی مواجه می‌سازد، فقدان ضمانت‌اجراهای لازم در خصوص تعقیب و تنبیه ناقضین حق‌ها و آزادی‌ها و انفعال مجریان علی‌الخصوص مقامات دولتی مثل پلیس و قوه قضائیه در این باره است.

ریشه موضوع مبحوث^۱ عنه را نه تنها باید در ضعف اجرا یا اجرای دلبخواهانه قوانین جست‌وجو کرد؛ بلکه نحوه تفسیر قوانین و تبعیض در برداشت از آن را نیز بایستی به عنوان علتی دیگر برشمرد. مساله در این موارد نه خود قانون بلکه عدم اراده برای احترام و اجرای صحیح آن است. طبق مطالعات به عمل در دوره زمانی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ خشونت‌های بی‌تعقیب علیه اقلیت‌های دینی و واکنش مقامات دولتی از الگوی یکسان و تکرارشونده‌ای که دارای مشخصه‌های ذیل بوده استفاده کرده و مکرراً با تمسک به این عناصر از مجازات خاطیان خودداری نموده است:

- «انکار مداوم وجود تبعیض مذهبی، همراه با عدم تمایل به پرداختن به موضوع فرقه‌گرایی در حوادث خشونت‌آمیز توسط مقاماتی که مرتباً آنها را به عنوان حوادثی معدود^۱ یا در نتیجه مداخله خارجی تعبیر

۱. کشته شدن ۲۱ مسیحی در حوادث در روستای الکوشه (Al-Kosheh) در بازه زمانی ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ تا ۲ ژانویه ۲۰۰۰ توسط

می‌کنند.

- عدم اجرای حاکمیت قانون^۱ قبل، حین و بعد از حملات به دلیل فقدان اراده یا ظرفیت سیاسی که منجر به پیشگیری، تعقیب و مجازات ناکافی جنایات مربوط به اقلیت‌ها می‌شود.
- ترجیح ایجاد سازوکارهای صلح و مماشات مثل ارجاع دعاوی به جوامع محلی و رهبران مذهبی به منظور تسکین قربانیان و عفو مجرمان و عدم استفاده از فرآیندهای قضایی مناسب» (Mohieddin, 2013:18).

دو نکته درخصوص رویکرد الگوی فوق قابل توجه است: اولاً سنت تاریخی دولت در تخفیف دعاوی و ارجاع مسائل بحران‌زا به جوامع محلی یا رهبران مذهبی و ... به جای تمسک به سیستم قضایی عادلانه، گرچه در وهله نخست شاید قادر به تسهیل بهبود روابط بین جوامع مختلف دینی باشد، اما تجربه عملی نشانگر عدم بهره‌وری این شیوه در طولانی مدت است. از دیگر سو این استراتژی، علاوه بر تضعیف اصل حاکمیت قانون و برابری حاصل از آن، این پیامی ضمنی را به مجرمان ارسال می‌کند که جرایم علیه اقلیت‌های دینی فاقد مجازات است، این در حالی است که مطابق ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی^۲، دول عضو متعهد گردیده‌اند که از ایجاد و تشویق و کمک به افزایش تبعیض، تنفر و تحقیر نسبت به اقلیت‌ها جلوگیری به عمل آورده، با مرتکبان چنین رفتارهایی برخورد کیفری نمایند؛ ثانیاً در برخی موارد خود دولت متهم به تبعیض سیاسی-حقوقی در دستکاری سیستماتیک جهت اعمال فشار به اقلیت‌های دینی است.

به عنوان مثال مقررات بسیار سختگیرانه درخصوص ساخت کلیسا، ایجاد محدودیت پیروان ادیان آسمانی در انجام مناسک^۳، تحریک و تهییج مردم به تخریب آثار مرتبط با اقلیت‌های دینی و عدم پیگیری دعاوی مطروحه مربوطه^۴، عدم همکاری نیروهای امنیتی برای متوقف کردن عاملان ایجاد آزار و اذیت اقلیت‌ها^۵ یا عاملیت ایشان در ایجاد آزارها مثل تخریب خانه چند اقلیت در فوریه ۲۰۱۱ توسط عوامل پلیس همگی نشان‌گر این ادعاست.

مقامات صرفاً به "نزاع مالی بین دو نفر" تقلیل داده شد.

۱. مصر از منظر رعایت حاکمیت قانون در وضعیت نامناسبی قرار دارد. بدین نحو که بین کشورهای منطقه، یکی از ضعیف‌ترین رتبه‌ها را در سطح بین‌المللی دارد.

کشور	امارات	کویت	اردن	تونس	الجزایر	مراکش	لبنان	ایران	مصر
رتبه جهانی در ۲۰۲۳	۳۷	۵۲	۶۲	۷۲	۸۴	۹۲	۱۰۷	۱۲۶	۱۳۶

(<https://worldjusticeproject.org/rule-of-law-index>)

2. The International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD)

۳. در سپتامبر ۲۰۲۰، دادگاه عالی اداری مصر ممنوعیت جشن سالانه یهودیان ابوحصیره را با استناد به "جرائم اخلاقی و اخلاقی در نظم عمومی" تایید کرد.

۴. شیوع خشونت‌های فرقه‌ای در الخسوس و قاهره در آوریل ۲۰۱۳ رسماً محکوم شد، اما هیچ تحقیقی برای شناسایی عاملان یا پیشنهاد راه حل‌های بلندمدت صورت نگرفت.

۵. در یکی از حملاتی که در ژوئن ۲۰۱۳ اتفاق افتاد، افرادی به رهبری سلفی‌های افراطی به گروهی از شیعیان که در مراسمی مذهبی در یکی از روستاهای شهر جیزه شرکت کرده بودند، حمله کردند. با وجود این درگیری، پلیس نتوانست برای توقف حملات اقدامی انجام دهد.

۳-۲. دولت محوری در عرصه دین

درج اسلام به عنوان دین رسمی دولت مصر در ماده ۲ قانون اساسی فعلی و پیشین، این عنصر را در جامعه و سیاست مصر به مفهومی دولتی تبدیل نموده و شاید بتوان به تعبیر دقیق کلمه «دین دولتی» (یوسف زاده، پیشین، ۱۵) را برای توصیف وضعیت اسلام در این کشور برشمرد. «دولت محوری شامل کنترل سلسله مراتبی و استقلال محدود است» (Rieffer-Flanagan, 2016: 279) که در تلاش برای افزایش اختیارات دولت و به دست آوردن کنترل اجتماعی روزافزون است. با تحلیل امور دینی در چارچوب دولت محوری بلاشک شاهد تلاش‌های دولت برای کنترل و نظارت سلسله مراتبی بر نهادها و افراد مذهبی و تفوق و ترویج روایت دولتی بر سایر روایات از دین خواهیم بود. آثار این دولت محوری دینی در جامعه مصر بسیار گسترده است و خود یکی از عوامل اصلی ایجاد و تشدید نقض حقوق اقلیت‌های دینی به شمار می‌آید. دولت محوری دینی در دهه ۱۹۶۰ با ملی کردن نهاد الازهر طی قانون شماره ۱۰۳ سال ۱۹۶۱ و نفی استقلال آن از طریق قرار دادن ذیل وزارت اوقاف مذهبی آغاز و با اتفای این خودمختاری، شیخ الازهر که پیش‌تر توسط روحانیون ارشد انتخاب می‌شد، توسط رئیس جمهور منصوب شد (Mahmood, 2014:143). این رویکرد کنترلی در دوره انور سادات و حسنی مبارک نیز ادامه داشت و علاوه بر کنترل درآمدی و هزینه کرد بودجه موقوفات، دولت حتی بر خطبات ائمه مساجد نیز نظارت کرده و با پرداخت حقوق ماهانه به ایشان، آنها را وابسته به خود نگه می‌داشت. همچنین مفتی اعظم مصر نیز توسط رئیس جمهور انتخاب می‌شد و فاقد استقلال سیاسی خاصی بود. در این دوره کماکان تبعیض‌های حقوقی-سیاسی مثل عدم صدور کارت شناسایی و به تبع آن عدم ثبت احوال شخصیه، عدم بهره‌مندی از مزایای اجتماعی، کرسی‌های بسیار کم در پارلمان و قوه مجریه، عدم توجه به درخواست ساخت امکان مذهبی مربوط به اقلیت‌ها و ... همگی سبب شدند تا «بسیاری از اقلیت‌ها از جمله مسیحیان، احساس کنند که از حقوق شهروندی کمتری برخوردارند» (op.cit:279).

پس از بهار عربی و غلبه احزاب اسلام گرا، دولت جدید نیز روند «دولت محوری دینی» را پی گرفت. در این راستا آزادی مذهب و تساهل مذهبی برای مذاهب اقلیت در قانون اساسی گنجانده نشد و هیچ تلاشی برای بازگرداندن استقلال مالی الازهر و کنار گذاشتن کنترل بودجه آن صورت نگرفت. همچنین مرسای اعضای مختلف اخوان المسلمین را برای کار در وزارت اوقاف مذهبی منصوب کرد تا امکان کنترل هرچه بیشتر فرایندهای مالی این نهاد را فراهم آورد. با کودتای نظامی عبدالفتاح السیسی، دیگر بار رویکرد دین به‌مثابه ابزار امر سیاسی در جامعه مصر تقویت گردید. با تدوین قانون اساسی ۲۰۱۴ همچنان وابستگی مالی الازهر به دولت ادامه داشت ولی امکان گزینش شیخ آن طبق قوانین مصوب دولت توسط «اعضای شورای علمای ارشد» فراهم شد. از دیگر سو، وزارت اوقاف بیانیه‌ای صادر و ایراد هرگونه خطبه را بدون هماهنگی ممنوع ساخته و محتوای سخنرانی‌های نماز جمعه را طی دستورالعملی صادر نمود (Fahmi, 2023). مضافاً اقلیت‌ستیزی در سیستم آموزشی از طریق طرد پیروان اقلیت‌ها، درج مطالب جانبدارانه و الزام اقلیت‌ها به فراگیری مطالب اسلامی ادامه یافت.

آنچه از رویکرد دولت محور به دین و مواجهه آن با اقلیت‌های دینی آشکار است، تصدی امر دینی و

تفوق شکلی و ماهوی نهاد دولت بر دین، نه تنها باعث تحدید آزادی‌های مسلمانان و ادیان شناخته شده در قانون اساسی شده، بلکه عملاً بی‌هویت‌سازی سیستماتیک دیگر اقلیت‌ها را موجب گشته است. در این میان تلاش‌های رئیس‌جمهور برای گسترش هرچه بیشتر آزادی مذهبی و ایجاد خوانشی «واقعاً روشنفکرانه» از متون اسلامی که در راستای مقابله با جریان‌های رادیکال مطرح گردیده بود، در عمل پوششی برای ترسیم تصویری حقوق بشری از دولت و قانون اساسی بود؛ چرا که دولت او هم‌اکنون افراد بی‌دین را فاسق قلمداد کرده و بسیاری از مسیحیان قبطی را هنوز در انتظار دریافت مجوز ساخت بناهایی درخواستی معطل نگه داشته است (Dunne, 2015).

۳-۳. نفرت‌پراکنی و رسانه‌های نارسا

اقلیت‌های دینی به دلیل کمیت تعداد و دگراندیشی همواره در معرض انواع خشونت‌ها و نفرت‌پراکنی‌ها علی‌الخصوص از طریق جریان‌های حاکم هستند. چهره بغرنج این وضعیت، توجیه رسانه‌ای یا اهمال مغرضانه در پوشش رسانه‌ای و تجزیه و تحلیل وقایع مذکور است. سند «راهبرد و برنامه عملی سازمان ملل متحد درباره سخنان نفرت‌آفرین»^۱، اصداری دبیر کل سازمان ملل در می ۲۰۱۹، سخنان نفرت‌آفرین را «هر نوع ارتباط در گفتار، نوشتار یا رفتار، که با اشاره به شخص یا گروهی مبتنی بر هویت آنها، بر اساس مذهب، قومیت، ملیت، نژاد، رنگ، تبار، جنسیت یا سایر عوامل هویتی که از زبان توهین آمیز یا تبعیض آمیز حمله کند یا از آن استفاده کند» تعریف کرده است.

در مصر علیرغم تأکید قیام ژانویه ۲۰۱۱ بر آزادی‌های مدنی و اتخاذ حمایت‌های مکتوب از گروه‌های اجتماعی، مقرر ماده ۵۳ قانون ۲۰۱۴ مبنی بر ممنوعیت و مجازات قانونی تبعیض و تحریک به نفرت و اظهارات مرسی در سپتامبر ۲۰۱۲ در سازمان ملل متحد مبنی بر اینکه «مصر به آزادی بیان احترام می‌گذارد، آزادی بیانی که برای ایجاد نفرت علیه کسی استفاده نشود» (Speech by President Morsi, 2012)، شکست‌های مداومی که در مقابله با گسترش سخنان نفرت‌انگیز اتفاق افتاد که گاهی ریشه دولتی یا ظن حمایت آن را در پی داشته است. برای نمونه پس از برکناری مرسی، بنا به استمرار سخنان نفرت‌آمیز و بروز نگرانی‌های حاصل از آن، در اوت ۲۰۱۳، یکی از رهبران کاتولیک مصر، دولت موقت را متهم به اهمال در مقابله با سخنان نفرت‌انگیز مطروحه در خطبه‌های دینی که مستقیماً به حملات علیه کلیساهای مسیحی ارتباط داشت، نمود (Martone, 2013) یا در فرایند تدوین قانون اساسی عدم توجه مقامات دولتی وقت به مطالبات اقلیت‌های دینی در خصوص منع رفتارهای تبعیض‌آمیز و نفرت‌آمیز و ایجاد بسترهای لازم جهت مشارکت ایشان در فرایند تدوین، گواه این ادعاست.

یکی از عواملی کنترل‌کننده نفرت‌پراکنی علیه اقلیت‌های دینی در مصر، رسانه‌های این کشور است. علی‌رغم تضمین‌های قانون اساسی در مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۱ و ۷۲ برای آزادی مطبوعات و طیف متنوعی از نشریات، رسانه‌های مصر تحت تسلط احزاب‌اند و به‌عنوان کانال‌های ارتباطی برای دولت یا احزاب دیگر عمل می‌کنند. همچنین خبرنگاران به دلیل اقدامات انجام گرفته علیه ایشان در فضای ترس

1. United Nations Strategy and Plan of Action in Hate Speech

و محافظه‌کاری قادر به فعالیت حرفه‌ای نبوده‌اند. وابستگی و محافظه‌کاری مذکور منجر به ایجاد فضای نامطلوبی درخصوص آزادی رسانه‌ای این کشور شده؛ آنچنان که این کشور حتی در سال‌های پس از انقلاب ۲۰۱۱ همواره بدترین رتبه‌های آزادی رسانه‌ای را در سطح بین‌المللی داشته است. بی‌گمان در سایه وجود چنین فضایی نمی‌توان انتظار تحقیقات و گزارشات بی‌طرفانه در خصوص نقض حقوق اقلیت‌ها را انتظار داشت.

در بررسی‌های بعمل آمده درباره نحوه گزارش‌دهی و حقیقت‌یابی در خصوص حوادث رخ داده و حقوق نقض شده از اقلیت‌های دینی، روند پوشش رسانه‌ای توسط منابع دولتی در سه گروه زیر عنوان شده است:

- مرتبط ساختن خشونت‌های فرقه‌ای با تهدید امنیت ملی ناشی از توطئه عوامل بیگانه مثل دشمنان خارجی مصر، تروریست‌ها یا یهودیان
- پنهان‌سازی واقعیت خشونت علیه اقلیت‌ها به صورتی که به جای راه حل‌های بلندمدت و متحول‌کننده، بر اقدامات فوری و واکنشی برای این موضوعات، مانند «شورای آشتی» تأکید می‌شود. در چنین مکانیسمی با تأکید بر «وحدت ملی» سعی بر تخفیف و کتمان حقیقت می‌شود؛ حال آنکه «وحدت ملی» با عنایت به وقایع رخ داده در معرض تهدید قرار گرفته است.
- تفسیر رویدادها در میان رسانه‌های دولتی معمولاً منعکس‌کننده خط رسمی دولت است تا دیدگاه اقلیت‌ها.

۳-۴. ملی‌گرایی و هویت مصری

قانون اساسی حلقه واسط بین دولت و مردم در مصر و بیانگر مبنای هنجاری این رابطه است. بدین سان مشروعیت دولت-ملت مدرن وابسته به مشارکت و تعهد شهروندان است و از مجرای این رابطه، حق‌ها و آزادی‌های شهروندان شناسایی و اجرایی می‌گردد. قانون اساسی با عنایت به شاخصه کلیت و عام‌الشمولی، به عنوان نمادی از دال مرکزی ایجاد فرهنگ ملی و یکپارچگی ملت تلقی می‌شود که زیر چتر آن کلیه افراد جامعه واجد حق می‌گردند. به عبارتی شالوده دولت-ملت‌ها بر این باور استوار است که ملتی یکپارچه وجود دارد و این ملت واحد حق استقلال مطلق خود را توسط یک دولت ملی به منحصه ظهور می‌رساند. قوانین اساسی ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ با تصریح به نمایندگی از مردم مصر، سعی در بروز هویت ملی شکل گرفته در قالب قانون اساسی را داشتند. مقدمه قانون اساسی ۲۰۱۲ بیانگر این بود که مردم مصر از طریق انقلاب ۲۰۱۱ «روح تمدن بزرگ و عطر تاریخ درخشان ما را بازیافتند.» با تصریحی بیشتر مقدمه قانون اساسی ۲۰۱۴ مقرر نموده «ما اکنون در حال تدوین قانون اساسی هستیم که مظهر رویای نسل‌ها از یک جامعه متحد مرفه و یک کشور عادلانه است که به آرزوهای امروز و فردا برای افراد و جامعه دست می‌یابد.»

چنانکه میرهن است اراده قانون اساسی ۲۰۱۴ بر ساخت ملت واحده‌ای از مصریان فارغ از وابستگی‌های خاص که متکی به «اراده مستقل» ایشان بوده، تأکید داشته و آن را به تصریح از اهداف

عالیه خود شمرده است.^۱ از این روست که مقدمه قانون اساسی با تاکید بر حرکت تحولی بزرگ این کشور، آن را اینگونه توصیف می‌کند «انقلاب ۲۵ ژانویه تا ۳۰ ژوئن در میان انقلاب‌های بزرگ تاریخ بشریت به دلیل میزان مشارکت مردمی که تخمین زده می‌شود ده‌ها میلیون نفر باشند، بی‌نظیر است. همچنین به دلیل نقش برجسته جوانانی که برای آینده‌ای رو به رشد تلاش می‌کنند، منحصر به فرد است.»

علیرغم این تاکیدات مصر بر ملت‌سازی و توصیف حصول امر انقلابی در نتیجه تلاش همه مصریان، اما در عمل اقلیت‌های دینی مصر به شدت از نابرابری نهادی و تبعیض‌های ریشه‌دار در رویکردهای مردمی رنج می‌برند. این موضوع ریشه در چند جهت داشت؛ اولاً عدم شناسایی برخی اقلیت‌های دینی عملاً موجب محرومیت ایشان از حقوق مندرج در قوانین شده و بی‌هویتی آنها را موجب گشته است؛ لذا ایشان قادر به تعریف خود در ذیل کلمه «ملت» نبوده و نوعی بیگانگی را تصور نموده‌اند؛ ثانیاً از زمان تدوین قانون اساسی در این کشور و درج اسلام و قانون، به نوعی معرف هویت مصری-اسلامی شده و یک رابطه این همانی بین مصری بودن و مسلمان بودن ایجاد شده است. در نتیجه این امر نه تنها در آزادی‌های مذهبی و احوال شخصیه افراد مسلمان سنی دارای برتری قابل توجهی‌اند؛ بلکه رویه‌های موجود حاکی از اعطای بخش اعظم مناصب دولتی به ایشان است و اقلیت‌های دیگر، ولو پیروان ادیان ابراهیمی فقط در حدود احوال شخصیه، برگزاری مناسک دینی و انتخاب رهبران معنوی دارای اختیاراند.

تاکید صرف بر هویت مصری-مسلمان در عرصه عمومی، خصومت پیش‌بینی نشده و تفرقه‌افکنانه‌ای را علیه سایر مذاهب مسلمان، ادیان دیگر و علی‌الخصوص اقلیت‌های نامرئی را سبب می‌شود. بی‌شک انجام این امر در طولانی مدت در تعارض با تشکیل و انسجام «ما»ی ملی بوده و نیازمند پیشبرد سیاستی چند وجهی است. التزام به همه‌جانبه‌گرایی در آموزش عمومی و برنامه‌های درسی بجای اصرار صرف به آموزش‌های اسلام سنی، تغییر رویکرد حاکم بر احزاب در راستای ترویج تساهل و پذیرش تنوع فرهنگی و دینی، تغییر رویه‌های اجرایی، علی‌الخصوص از سوی نهادهای دولتی، توجه به مسائل مربوط به زنان به ویژه زنان غیرمسلمان و ... همگی از جمله اسبابی‌اند به تغییر پارادایم فرهنگ مصری-مسلمان به مصر همه برای مصریان کمک می‌نماید.

نتیجه‌گیری

آنچه در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر روی داد، حاوی یک «نه» و «آری» بود. «نه» به یک نظام قانون‌ستیز استبدادی حق‌گریز و «آری» به زندگی توأم با آزادی و عدالت اجتماعی. در این راستا، برآیند بهار عربی مصر، موجی از اصلاح‌طلبی در عرصه‌های مختلف به خصوص در عرصه سیاسی-حقوقی را به همراه داشت که در صدد تلاش برای هویت‌یابی، تامین خودمختاری و تعیین سرنوشت بود. این مهم برای اقلیت‌های دینی از فارغ از نوع وابستگی مذهبی آنها، اهمیت دو چندان داشت؛ زیرا این گروه از افراد علیرغم تنوع

۱. «ما، شهروندان، زنان و مردان، ما مردم مصر، حاکمان در یک میهن مستقل، این اراده ماست.»

مذهبی، از سالیان نخست نهضت اساسی‌گرایی در مصر، در تکاپو برای برابری جویی و حقوقی هم‌شان پیروان دین رسمی بودند. از این رو در جریان انقلاب مذکور، اقلیت‌ها به عنوان یکی از بازیگران «میدان التحریر»، همگام با مسلمانان به نادیده‌انگاری تاریخی در سپهر اجتماعی و حقوقی معترض بودند و ندای «تغییر» را سر می‌دادند.

باری هدف از تدوین قوانین اساسی ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ مصر، کوششی به منظور ملت‌سازی ذیل تامین هم‌گرایی دینی و هویت‌بخشی به «ما»ی ملی مصر، صرفاً از مجرای شناسایی «ادیان آسمانی» به‌عنوان تنها ادیان مورد قبول بود؛ اما آنچه قوه مؤسس عامدانه از مبادرت بدان امتناع ورزیده، چشم‌پوشی از شناسایی دیگر ادیان و مذاهب است؛ به نحوی که پیروان آنها را در حالت معلقی قرار داده است. این نادیده‌انگاری خودخواسته، اسباب تشدید تضييع حقوق اقلیت‌های نامرئی را موجب شده است؛ زیرا از سویی این افراد نه تنها به سمت بی‌هویتی سوق پیدا می‌کنند؛ بلکه با مفاد مندرج در قانون اساسی اصولاً امکان کنشگری اجتماعی را نیز از دست داده‌اند. چنین امری حتی برای مسیحیان و یهودیان نیز با وجود شناسایی رسمی در قانون اساسی نکته‌ای در خور توجه است؛ چرا که در بادی امر گرچه به نظر می‌رسد این اقلیت‌ها با وجود شناسایی رسمی قلمروی بیشتری به منظور کنشگری دارند؛ لیکن رویه‌های موجود، فقدان ضمانت‌اجراه‌های موثر، عدم تعقیب و تنبیه ناقضان حقوق اقلیت، نقض حق سیستماتیک، ملی‌گرایی تک‌عنصری و توجیه رسانه‌ای خشونت‌ها همگی عاملی‌اند که موجبات عدم بهبود جایگاه اقلیت‌های دینی را سبب شده است.

با امعان نظر به فلسفه تدوینی قانون اساسی در بستر مدرن حقوق عمومی که هدف از آن تحدید قدرت دولت و تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان فارغ از وابستگی‌هایی نظیر رنگ، نژاد، تعلق دینی، زبانی و ... است و همچنین لحاظ این امر که مولفه‌های حقوق شهروندی در عصر حاضر نظیر آزادی بیان و عقیده، حمایت از زنان، اصل امنیت، حق بر مشارکت، حق بر آموزش، حفظ حریم خصوصی، قانونمداری، اصل شفافیت و پاسخگویی حکومت و ... مجموعه‌ای از قیود تحدیدی را برای اعمال قدرت از سوی دولت ایجاد می‌کند و میزان تقید به این قیود، نشانگر پابندی دولت به شاخص‌های مردم‌سالاری است، از این رو جمهوری مصر به منظور قدم نهادن در مسیر حکمرانی مطلوب به منظور حفظ حقوق اقلیت‌های دینی بایستی با به رسمیت شناختن همه اقلیت‌های دینی در قانون اساسی، حوزه استقلال آنها را در عرصه‌های مختلف از قبیل امکان برگزاری آزادانه مناسک دینی، اداره احوال شخصیه، استقلال در حوزه قضایی و ... را به مود شناسایی و تضمین قرار دهد.

از دیگر سو لازم است امکانات و بسترهای آسان، ارزان، سریع، عینی و کارا به عدالت جهت تعقیب و مجازات خاطیان به حقوق اقلیت‌ها را فراهم کند تا افراد مورد تعرض، امکان بهره‌گیری از اسباب تمسک به فرایند قضایی مناسب جهت جبران خسارات و محرومیت‌ها را دارا باشند. یکی دیگر از راهکارهای لازم جهت بهبود وضعیت این گروه‌ها تغییر در نظام آموزشی و محتوای دروس و تربیت کادر آموزشی و دانش‌آموزان به منظور تساهل‌گرایی دینی و دیگرپذیری است.

منابع

- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۴)، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر». مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۷(۱۶)، صص ۱۶۲-۱۴۱.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸)، جامعه شناسی دین، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق، چاپ هفتاد و نه، تهران: انتشارات سهامی انتشار.
- یوسف زاده، محمد (۱۳۹۷)، نقش و جایگاه دین در قوانین اساسی ایران، افغانستان، مالزی و مصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سالی، نیل (۲۰۱۹)، أقباط في مصر يتساءلون بشأن تطبيق الشريعة الإسلامية عليهم في الميراث، صحافه العرب. مشاهده در تاریخ: ۱۰/۰۶/۱۴۰۲. از <https://arab.sahafahh.net/story/5575729/>
- قانون بناء و ترميم الكنائس (۲۰۱۶).
- عزمي بشارة (۲۰۱۲)، هل من مسألة قبطية في مصر؟، بيروت: المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات.
- محمد، غادة (۲۰۱۸)، الأقباط في مصر الحديثة، الطبعة الأولى، الإسكندرية: دار المرايا للإنتاج الثقافي.

References

- Abdelaal, M. (2013), «Religious Constitutionalism in Egypt: A Case Study.» The Fletcher Forum of World Affairs. 37(1), 35-51. <https://www.jstor.org/stable/45289721>
- Bishara, A. (2012), Is it a matter of Coptic in Egypt?, Arab Center or Research & Studies: Wadi Al Banat. [in Arabic]
- Brown, C. (2000), Religion and State: The Muslim Approach to Politics, New York: Columbia University Press.
- Bruce, R. (2013), Egypt after Mubarak: Liberalism, Islam, and Democracy in the Arab World, Princeton: Princeton University Press.
- Church Building Law (2016), [in Arabic]
- Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, 1992.
- Dunne, M & Bentivoglio, K. (2015), «Is ISIS Islam's Martin Luther?», <https://carnegie-mec.org/diwan/57738.16> January, 2015.
- Egypt 1923, 1956, 1971, 2012 & 2014 Constitutions.
- Fahmi, G. (2014), «The Egyptian State and the Religious Sphere», <https://carnegie-mec.org/2014/09/18/egyptian-state-and-religious-sphere-pub-56619>.
- Ghada, M. (2018), Copts in modern Egypt, Cairo: Dar Al Maraya. [in Arabic]
- Hatem, M. (2000), The Pitfalls of the Nationalist Discourses on Citizenship in Gender and Citizenship in the Middle East, New York: Syracuse University Press.
- Katouzian, Naser (2011), Introduction to the science of law, Tehran, entesharco. [in Persian]
- Macklem, P. (2008), «International Journal of Constitutional Law 552-531, (3-4)6,», <https://doi.org/10.1093/icon/mon019>.
- Mahmood, S & Danchin, P. (2014). «Immunity or Regulation? Antinomies of Religious Freedom», The South Atlantic Quarterly, 113 (1). 129-160, https://digitalcommons.law.umaryland.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2582&context=fac_pubs. DOI:10.1215/00382876-

2390455

- Martone, J. (2013), «Egypt not condemning hate speech, patriarch says, The Catholic Register», <http://www.catholicregister.org/news/international/item/16793-egypt-not-condemning-hate-speech-patriarch-says30> . August 2013.
- Mohieddin, M. (2013), No change in sight: The situation of religious minorities in post-Mubarak Egypt. Minority Rights Group International. file:///C:/Users/yousefzadeh.m/Downloads/download-1331-no-change-in-sight-the-situation-of-religious-minorities-in-post-mubarak-egypt.pdf
- Rieffer-Flanagan, B.A. (2016), Statism, Tolerance and Religious Freedom in Egypt. Muslim World Journal of Human Rights. 13(1), <https://www.degruyter.com/journal/key/mwjhr/html>.
- Rosenfeld, M & András, S. (2012), The Oxford Handbook of Comparative Constitutional Law. online edn. Oxford Academic. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb>
- Sali, N (2019), Copts in Egypt wonder about the application of Islamic law to them regarding inheritance, available at: <https://arab.sahafahh.net/story/5575729/>
- Scott, R. (2023), Recasting Islamic Law: Religion and the Nation State in Egyptian Constitution Making, New York: Cornell University Press.
- Shojaeezand, A (2009), Sociology of Religion, Tehran, Ney. [in Persian]
- Speech by President Morsi to UN General Assembly 2012, <https://al-bab.com/documents-section/egypt-speech-president-morsi-un-general-assembly-2012>. 26 September, 2012.
- The International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD), 1965.
- The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). 1966.
- Wood, L. (2016), Islamic Legal Revival: Reception of European Law and Transformations in Islamic Legal Thought in Egypt, Oxford: Oxford University Press.
- Yousefzadeh, Mohammad (2018), The role and position of religion in Iran, Afghanistan, Malaysia and Egypt Constitution, Tehran, Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Zaid, A. (2012), «The New Egyptian Constitution: An Initial Assessment of Its Merits and Flaws», <http://warincontext.org/2012/12/27/the-new-egyptian-constitution-an-initial-assessment-of-its-merits-and-flaws/>. 26 December 2012.
- ZAMANI, S. G. (2005), «Protection of minorities in universal human rights documents», Public Law Research, 7(16), 145-187. [in Persian]